



# مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی \* شیما نادری، مجید مطلبی

و اکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه \* مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی \* ابوالفتح خالقی، زهرا میرزانی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران \* افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

\* محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناجی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

\* محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه \* سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان \* میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک \* مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات \* امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت \* رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی \* محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه \* سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی \* سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا \* محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر \* نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران \* یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

\* سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام \* علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی \* غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل \* محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران \* سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری \* رضا طجرلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها \* صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لا \* رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه \* اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه \* سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی \* سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا \* احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی \* مرتضی جوان سرند



## the effects and conditions of retrial in Iranian and French law

## آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه

**Sayyed Jafar Hashemi Bajegani**

Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran

سید جعفر هاشمی باجگانی

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران  
[sjafarhashemi@gmail.com](mailto:sjafarhashemi@gmail.com)

**Mohammad Reza Burbur**

PHD Student in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Lecturer at Ivan Kay Non-Profit University, Meybod, Iran (Corresponding Author)

محمدرضا بوروبور

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، مدرس دانشگاه  
غیرانتفاعی ایوان کی، میبد، ایران (نویسنده مسئول)

[mohamadrezaboorbor@yahoo.com](mailto:mohamadrezaboorbor@yahoo.com)  
<https://orcid.org/0000-0002-1881-258x>

### Abstract

One of the obvious advantages of retrials is the guarantee of judicial justice, and as a way of challenging judicial decisions, it seeks to administer justice and a way to return to the same court that tried it in order to deviate from the judgment that the court previously issued on the matter. . In other words, retrial is an extraordinary and reciprocal procedure for the litigants against the verdicts that have been valid. The resumption of the trial is also envisaged in the law of Iran and France as one of the extraordinary ways to challenge the rulings of the courts, which, due to its exceptional nature, can be applied only in special cases. In French law, according to Article 593 of the Code of Civil Procedure, the purpose of retrial is to deviate from a valid verdict in order to issue a new verdict in both the case and the verdict, and this only by the parties or persons in the verdict. Have been represented and can be requested and the applicant for retrial must have all the parties to the requested vote take part in the dispute or it will not be admissible. In addition, the issue of retrial in order to pay attention to the verdicts and pay attention to the evidence and content of the case in the courts of justice has resulted in the rights of victims and ultimately justice, and the right to a fair trial requires that the direction of retrial be.

**Keywords:** Retrial, appeal against the verdict, final verdict, violation of the verdict.

### چکیده

یکی از مزیت های بارز اعاده دادرسی تضمین عدالت قضایی بوده و به عنوان یک شیوه در اعتراض به آرای قضایی در پی اجرای عدالت و راهی برای بازگشت همان دادگاهی که دادرسی نموده به منظور عدول از رأی که آن دادگاه سابقاً در خصوص موضوع صادر کرده است می باشد. به بیان دیگر اعاده دادرسی یک طریقه فوق العاده و عدولی برای طرفین دعوا در مقابل آرائی که از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار بوده است می باشد. اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه نیز به عنوان یکی از طرق فوق العاده اعتراض به آراء دادگاه ها پیش بینی گردیده که به جهت استثنائی بودن آن صرفاً در موارد خاص قابل اعمال است. در حقوق فرانسه طبق ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی، هدف از اعاده دادرسی، عدول از رأی دارای اعتبار امر قضاوت شده است تا هم در امور موضوعی و هم در امور حکمی رأی جدیدی صادر شود و این امر تنها از طرفین یا اشخاصی که در رأی مورد نمایندگی قرار گرفته اند قابل درخواست بوده و مقاضای اعاده دادرسی باید تمامی طرفین رأی مورد تقاضا را طرف دعوا قرار دهد و گرنه قابل پذیرش نیست. علاوه بر این، موضوع اعاده دادرسی برای دقت نظر در آراء و توجه به ادله و محتوای پرونده متشکله در محاکم دادگستری باعث استیفای حقوق حقه زیان دیدگان و در نهایت حصول عدالت شده و حق دادرسی عادلانه ایجاد می کند که جهات اعاده دادرسی توسعه یابد.

**واژگان کلیدی:** اعاده دادرسی، اعتراض به رأی، حکم قطعی، نقض حکم، مرجع قضایی.

ارجاع:

هاشمی باجگانی، سید جعفر؛ بوربور، محمدرضا؛ (۱۴۰۰)، آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

هدف اصلی از دادرسی، حفظ حق و اجرای عدالت است. بر این اساس، نهاد اعاده دادرسی، ابتکاری در جهت رسیدگی مجدد ماهیتی به احکام قطعی مراجع قضائی دادگستری است که مبتنی بر اشتباهات قضائی صادر شده‌اند. ممکن است در نتیجه اشتباه رأی ناعادلانه صادر شود و یا ممکن است در مسیر دادرسی تشریفات و آئین رسیدگی و خصوصاً اصول دادرسی رعایت نشده باشد. یکی از شیوه‌های رسیدگی مجدد به آرای محاکم، اعاده دادرسی است. این نهاد از طرق فوق العاده شکایت از احکام بوده و تجویز آن در واقع تلفیقی بین اعتبار احکام دادگاه‌ها و سازگاری حکم با واقعیت‌های بیرونی و اجرای عدالت است. اصولاً تا شیوه عادی شکایت از احکام میسر باشد اعاده دادرسی ناممکن است. از آنجائی که به اعتبار مرجع رسیدگی طرق شکایت از رأی به اصلاحی و عدولی تقسیم می‌شود، لذا شکایت از رأی، اگر نزد مرجع عالی و یا مرجعی غیر از مرجع صادرکننده رأی مطرح شود اصلاحی و اگر شکایت فرد نزد همان مرجعی مطرح شود که رأی مورد شکایت را صادر نموده عدولی است و به این اعتبار اعاده دادرسی را از طرق عدولی شکایت از رأی نامیده‌اند. تردیدی نیست که هدف اصلاح خطای قضائی که زیربنای مشروعیت نهاد اعاده دادرسی است در مقام تعارض، قوی‌تر از اعتبار امر مختوم است به گونه‌ای که اعتبار امر مختوم، اطلاق خود را از دست می‌دهد و مقید به صحت امر مختوم می‌شود، یعنی حکم قطعی زمانی اعتبار امر مختوم را دارد که صحیح باشد، زیرا معتبر دانستن تصمیم اشتباه، بی احترامی به عدالت است و اتفاقاً اجازه اصلاح چنین تصمیمی، اعتبار بخشیدن به آرای قضائی است.

تجویز اعاده دادرسی در واقع تلفیقی بین اعتبار احکام دادگاه‌ها و اجرای عدالت می‌باشد. با اعاده دادرسی، از محکومیت اشخاص بی‌گناه جلوگیری شده، اعتماد مردم به دستگاه قضائی فزونی می‌یابد و احساسات عمومی برای درخواست تحقق عدالت، اطمینان پیدا می‌کند. در نتیجه، اعاده دادرسی یک راه استثنائی است که هدف آن بازبینی مجدد دعوائی است که یک مرتبه مورد رسیدگی قرار گرفته و رأی قطعی در مورد آن صادر شده و دیگر هیچ راه عادی برای شکایت از آن وجود ندارد. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

### ۱- پیشینه تاریخی و مفهوم اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه

پیشینه رسیدگی پژوهشی یا گسیختن حکم یک قاضی در دادگاهی دیگر و به دست قاضی دوم به حقوق روم بر می‌گردد و دیگر مکاتب حقوقی جهان این نهاد را از آئین دادرسی روم گرفته‌اند. در اصطلاح حقوق اسلامی پژوهش خواهی از احکام به دوران پیامبر اسلام (ص) برمی‌گردد و در اصطلاح حقوق اسلامی به قاضی رسیدگی کننده به دعوی پژوهش خواهی، «صاحب‌الرد» می‌گفتند (ساکت، ۱۳۸۲، ۵۴).

طریقه شکایتی که اکنون اعاده دادرسی نامیده می‌شود، در قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰ تحت عنوان اعاده محاکمه (تجدیدنظر) پیش‌بینی شده بود. در ایران قبل از مشروطیت دستگاهی به نام دیوان خانه عدلیه در تهران وجود داشته که تابع مقررات ثابت و هدمند نبوده و حل و فصل دعاوی مردم در ایالات و ولایات به وسیله حکام صورت می‌گرفته است. از سال ۱۳۲۹ هجری قمری محاکمه در ایران تابع قوانین و اصول محاکمه شده که از آن زمان تاکنون پی در پی تغییراتی در آئین دادرسی روی داده و بیشتر اصلاحات مربوط بر تسریع محاکم و ابتکار عمل بوده که در دست اصحاب دعوا باشد یا محاکم. در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ساختار قضائی پیش‌بینی شده در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به هم ریخت و محاکم از صلاحیت عام برخوردار گشتند. پس از تصویب قانون فوق که خصیصه عمده آن تعمیم صلاحیت دادگاه‌ها می‌باشد، تصویب قانون آئین دادرسی مدنی مقتضی با آن ضروری به نظر می‌رسید. این نیاز با تصویب قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مرتفع گردید (مسیحی، ۱۳۹۲، ۳۹ و ۴۳).

از لحاظ مفهومی، اعاده دادرسی به معنای از نو دادرسی کردن است که این معنی در بطن خود حاوی این پیام می‌باشد که قاضی صادرکننده رأی مورد اعاده دادرسی باید آن را مورد رسیدگی مجدد قرار دهد. اعاده دادرسی از طرق فوق العاده شکایت از آراء است و رسیدگی دوباره به دعوا را نزد مرجع صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی امکان‌پذیر می‌نماید. در نتیجه از طرق عدولی شکایت شمرده می‌شود. در حقیقت این طریق شکایت موجب می‌شود که دادرسی منتهی به حکم قطعی یافته و در پی درخواست محکوم علیه دوباره نزد همان مرجع صادرکننده حکم مورد از سر گرفته شود (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۲۶).

به بیان دیگر، اعاده دادرسی راهی است برای بازگشت نزد همان دادگاهی که حکومت کرده به منظور درخواست عدول از رأی که آن دادگاه سابقاً صادر کرده و شاکی مدعی صدور آن از روی اشتباه (سهو و خطا) باشد (متین دفتری، ۱۳۷۷، ۱۶۱). به عبارتی، می‌توان اعاده دادرسی را چنین تعریف کرد: «درخواست رسیدگی مجدد به دعوائی که نسبت به آن حکم قطعی صادر شده است به لحاظ یکی از جهات قانونی از همان دادگاه صادرکننده حکم قطعی را اعاده دادرسی گویند.» (بهرامی، ۱۳۹۴، ۱۷).

در حقوق فرانسه، اواخر قرون وسطی طریقه استثنائی جدیدی برای شکایت از احکام پارلمان‌ها معمول گردید که به آن پیشنهاد رفع اشتباه می‌گفتند. در این شیوه شکایت از احکام تفکیکی میان اشتباهات موضوعی و اشتباهات حکمی بود. اما در قرن هفدهم میلادی پیشنهاد رفع اشتباه فقط به اشتباهات موضوعی اختصاص یافت. پیشنهاد رفع اشتباه سرانجام به دلیل آن که کم کم متروک مانده بود و کسی جهت نقض آراء به آن متوسل نمی‌شد با دستور شاهی در سال ۱۳۶۷ میلادی این نهاد به کلی نسخ گردید و طرق فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی قوت بیشتری گرفت.

در اعاده دادرسی جهاتی که خواهان می‌توانست با استناد به آن تقاضای رسیدگی مجدد نماید کاملاً احصاء شد. فرجام‌خواهی به اشتباهات حکمی اختصاص یافت و اعاده دادرسی به اشتباهات موضوعی. در سال ۱۹۷۵ میلادی، نویسندگان قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه به طور کلی قانون قدیم را متحول کردند. در قانون جدید جهات اعاده دادرسی کاهش یافت. برای این که میان این جهات، تجانس و ارتباط منطقی وجود داشته باشد، با مقایسه قانون جدید و قدیم آئین دادرسی مدنی فرانسه مشخص می‌شود که اعاده دادرسی در قانون جدید تغییرات عمده‌ای را متحمل شده است. از جمله کاهش دادن جهات اعاده دادرسی از ده مورد به چهار مورد است. همچنین مقررات راجع به اعاده دادرسی به هدف ساده‌تر نمودن تشریفات دادرسی و محدود کردن طرق فوق‌العاده شکایت از آراء برای استحکام بخشیدن به تصمیمات حاکمه تغییر یافته است. در حقوق فرانسه اعاده دادرسی وسیله‌ای است برای رفع اشتباهات منتسب به طرفین و نه اشتباهات منتسب به قاضی (حیاتی، ۱۳۹۰، ۲۳ و ۲۴).

اعاده دادرسی در قانون قدیم فرانسه تعریف نشده، اما قانون جدید این کشور، بحث اعاده دادرسی را با تعریف آن در ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی آغاز نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «اعاده عدول از رأی است که از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار بوده برای این که رأی جدیدی در موضوع و در حکم صادر شود.» همچنین اعاده دادرسی تنها از طرفین یا اشخاصی که در رأی مورد نمایندگی قرار گرفته‌اند قابل درخواست است و متقاضی اعاده دادرسی باید تمامی طرفین رأی مورد تقاضا را طرف دعوا قرار دهد وگرنه قابل پذیرش نیست. همچنین اعاده دادرسی به موجب احضارنامه انجام می‌شود و به دادستانی عمومی اطلاع داده می‌شود. به عبارت دیگر هنگامی که اعاده دادرسی به موجب احضاریه انجام می‌شود، خواهان اعاده دادرسی مسئولیت اعلام این احضاریه به دادستان عمومی را بر عهده دارد وگرنه اعاده دادرسی او مردود است (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۳۷).

## ۲- شرایط پذیرش اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه

فلسفه وضع مقررات مربوط به اعاده دادرسی همان هدف بزرگ اجرای عدالت است و اعاده دادرسی نیز به معنای از سرگیری دادرسی مبتنی بر اشتباه می‌باشد و از آن‌جا که دادرسی، رسیدگی به داد و ستیز با بیداد و وسیله‌ای برای اجرای عدالت و حق‌گزاری بیشتر می‌باشد، از این‌رو چنانچه کاشف به عمل آید که رأی صادره منطبق با واقع نبوده و به دور از واقعیت‌های عینی صادر گردیده، به مقتضای عدالت خواهی باید مجدداً مورد رسیدگی ماهوی قرار گیرد (پورقربانی و پوراابراهیم، ۱۳۹۸، ۱۱۲).

در حقوق ایران، قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در ماده ۵۹۱ تصمیمات زیر را قابل اعاده دادرسی دانسته بود: حکم حضوری پژوهشی، حکم غیابی پژوهشی که مدت اعتراض آن منقضی شده باشد، حکم حضوری مرحله نخستین که به طور قطعی صادر شده است و حکم غیابی مرحله نخستین که مدت اعتراض آن منقضی شده یا غیرقابل پژوهش صادر شده است. مطابق قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، فقط احکام قطعی دادگاه‌ها قابلیت اعاده دادرسی دارند، لذا حکمی که قابل پژوهش صادر شده یا حکمی که قابل پژوهش صادر شده اما از آن درخواست پژوهش نشده باشد، قابلیت اعاده دادرسی را ندارد، قطعی شدن حکم به واسطه انقضای مدت پژوهش کافی برای تجویز اعاده دادرسی دانسته نشده است. ماده «۴۸۵»<sup>۱</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به روشنی بر این امر دلالت

۱- ماده ۴۸۵: اگر صدور حکم از روی سند معجول باشد مهلت پژوهش از تاریخ ثبوت جعلیت آن سند به موجب حکم نهایی است و اگر یکی از طرفین را سندی باشد که مدار حکم بر آن سند است و محکومیت طرف مزبور به واسطه این بوده که طرف مقابل آن سند را کتمان کرده یا باعث کتمان آن شده مهلت پژوهش از تاریخ وصول آن سند به محکوم علیه شروع می‌شود لیکن در

داشت که مقرر می‌داشت چنانچه پس از صدور حکم بدوی قابل پژوهش، معجولیت سند مستند حکم، حيله و تقلب طرف و يا كتمان سند اثبات شود، محكوم عليه بدوی مزبور، در صورتی که در مهلت مقرر نسبت به آن پژوهش خواهی ننموده باشد، می‌تواند به جهات مزبور از تاریخ حکم معجولیت سند و... نسبت به آن درخواست پژوهش نماید (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۶۰).

مرحوم دکتر احمد متین دفتری در توجیه مواد مذکور چنین اظهار داشته است: «قاعده این است که جواز پژوهش و جواز اعاده دادرسی قابل جمع نیستند و این منع از لوازم فوق‌العاده بودن اعاده دادرسی است.» (متین دفتری، ۱۳۹۱، ج ۲، ۵۹۸). مطابق قانون قدیم فقط نسبت به احکام دادگاه‌ها می‌توان تقاضای اعاده دادرسی نمود، لذا قرارها قابلیت اعاده دادرسی ندارند. به علاوه ظاهراً فقط احکام صادره از محاکم عمومی قابل اعاده دادرسی دانسته شده است (واحدی، ۱۳۶۹، ۱۴).

ماده «۴۲۶»<sup>۲</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر نموده است: «نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است درخواست اعاده دادرسی شود...» مطابق ماده فوق، اعاده دادرسی از طرق شکایتی است که تنها نسبت به احکام گشوده می‌شود. بنابراین قرارهای دادگاه قابل اعاده دادرسی نمی‌باشند. نکته دیگر این که برخلاف قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، فقط احکامی که به صورت قطعی صادر شده قابل اعاده دادرسی نیست، بلکه احکام قابل تجدیدنظر که به علت عدم تقاضا در مهلت مقرر قطعی شده است، قابل اعاده دادرسی است. لذا قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، اعاده دادرسی را از انحصار احکامی که به صورت قطعی صادر شده بیرون آورده و به تمام «احکام قطعیت یافته» تسری داده است. در حال حاضر علیرغم این که اصطلاح به کار رفته دقیق نمی‌باشد، باید پذیرفت علاوه بر احکامی که به صورت قطعی صادر شده‌اند (احکام دادگاه تجدیدنظر استان، احکام دادگاه‌های

این صورت تاریخ وصول سند به اقرار در دادگاه یا سند کتبی باید ثابت شود. اگر یکی از طرفین حيله و تقلبی کرده باشد که در حکم دادگاه مؤثر بوده مهلت پژوهش برای طرف مقابل از تاریخ ثبوت حيله و تقلب به موجب حکم نهایی شروع می‌شود.

۲- ماده ۴۲۶: نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود: موضوع حکم، مورد ادعای خواهان نبوده باشد. حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد. حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد. طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه مؤثر بوده است. حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد. پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است.

بدوی که در دعاوی مالی با خواسته تا سه میلیون ریال صادر شده‌اند و... احکامی نیز که از دادگاه‌های بدوی به صورت قابل تجدیدنظر صادر شده‌اند (احکام صادره در دعاوی مالی با خواسته بیش از سه میلیون ریال و نیز احکام صادره در دعاوی غیرمالی) و در مهلت مقرر نسبت به آن‌ها تجدیدنظرخواهی نشده است نیز می‌توانند در صورت تحقق یکی از جهات اعاده دادرسی، مورد درخواست اعاده دادرسی قرار گیرند (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۶۱).

لازم به ذکر است در زمان حکومت قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، برای فرضی که حکمی به صورت قابل تجدیدنظر صادر گردیده و ذینفع در مهلت مقرر تقاضای تجدیدنظر ننماید اما بعداً ثابت شود که سند مستند حکم دادگاه مجعول بوده است، قانونگذار راه حل تجدیدنظر را به موجب ماده ۴۸۵ پیش‌بینی نموده بود. به عنوان مثال چنانچه دعوائی به خواسته پنجاه میلیون ریال به استناد سفته‌ای اقامه گردد و خواننده محکوم به پرداخت مبلغ مزبور شود و از این حکم در مهلت مقرر تقاضای تجدیدنظر نشود و حکم قطعیت یابد، اما مدتی پس از آن مجعولیت سفته به موجب حکم نهائی ثابت شود، محکوم علیه می‌تواند به استناد حکم اخیر از دادگاه تجدیدنظر تقاضای تجدیدنظر نماید. لیکن بعد از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ محکوم علیه چنین رأئی می‌تواند از آن رأی، تقاضای اعاده دادرسی نماید.

مطابق قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ فقط «احکام» دادگاه‌ها قابل اعاده دادرسی هستند لذا قرارها اعم از قرارهای اعدادی و قرارهای قاطع دعوا قابل اعاده دادرسی نیستند، همچنان که در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ هم بدین صورت بود. بدیهی است آرای دیوان عالی کشور که حکم به معنای حقوقی آن محسوب نمی‌گردد، قابل اعاده دادرسی نخواهند بود. اما در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هیچ تصریحی در مورد قابلیت اعاده دادرسی تصمیمات مراجع غیردادگستری وجود ندارد (حیاتی، ۱۳۸۳، ۴۹).

در حقوق فرانسه شرایط رأی قابل اعاده دادرسی در قانون قدیم این کشور بدین صورت بود که بند نخست ماده ۸۴۰ قانون قدیم فرانسه مصوب ۱۸۰۶، صرفاً آراء ترافعی را که توسط دادگاه بدوی و یا دادگاه تجدیدنظر و همچنین آراء غیابی که به صورت قطعی صادر گردیده و دیگر قابلیت وخواهی ندارند، قابل اعاده دادرسی دانسته است. مطابق ماده فوق برای این که بتوان نسبت به تصمیمی تقاضای اعاده دادرسی نمود وجود این شرایط الزامی است: تصمیم متخذه باید قطعی باشد، مطابق رویه قضائی



تصمیم باید از محاکم مدنی و یا شبیه به آن صادر شده باشد، تصمیم باید در امور ترافعی صادر شده باشد و تصمیم متخذه باید به صورت حکم باشد نه قرار.

قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۷۵ در ماده ۵۹۳ قلمرو آراء قابل اعاده دادرسی را مشخص نموده و مقرر می‌دارد: «هدف اعاده دادرسی، عدول از رأی دارای اعتبار امر قضاوت شده است تا هم در موضوع و هم در حکم رأی جدیدی صادر شود». بنابراین آراء قابل واخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی به دلیل آن که قطعی نگردیده و بالطبع از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار نیستند قابل شکایت از طریق اعاده دادرسی نیستند. ولی چنانچه در مهلت قانونی نسبت به آن شکایتی صورت نگیرد قطعی شده و بالطبع از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار می‌گردند و قابل شکایت از طریق اعاده دادرسی خواهند بود. همچنین رأی دادگاه بدوی در رسیدگی به واخواهی و آراء دادگاه تجدیدنظر در موضوعاتی که قابل فرجام‌خواهی دارای اثر تعلیقی است، قابل شکایت از طریق اعاده دادرسی است. اگر جهت اعاده دادرسی در زمانی که رأی از طرق عادی قابل شکایت بوده کشف گردد، خواهان صرفاً می‌تواند از این طرق برای نقض رأی استفاده کند (Heron, 1991, 785).

با مقایسه قانون جدید و قدیم فرانسه مشخص می‌شود که همان تغییری که در قانون ایران در پذیرش اعاده دادرسی نسبت به آرائی که به صورت قطعی صادر نشده اما به هر دلیل قطعیت پیدا کرده‌اند در حقوق فرانسه هم روی داده است. در قانون آئین دادرسی مدنی ایران طبق ماده ۴۲۶ قانونگذار، فقط «احکام» را قابل اعاده دادرسی شناخته و اعاده دادرسی را نسبت به قرارها حتی قرارهای قاطع دعوا مانند قرار ابطال دادخواست، قرار رد دادخواست، قرار رد دعوا و قرارهای تأمین به مفهوم اعم از جمله قرار تأمین خواسته و دستور موقت را پیش‌بینی نموده است (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۶۰). حتی رویه قضائی نیز اشاره‌ای به قابل اعاده دادرسی بودن قرارها ندارد. به عنوان مثال از رای اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور شماره «۳۸۸۵»<sup>۳</sup> مورخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۲ می‌توان نتیجه گرفت که نظر دیوان عالی کشور این است که اعاده دادرسی صرفاً نسبت به احکام مقدور است نه قرارها. در حقوق ایران تعداد قابل توجهی

۳- قطع نظر از این که اصولاً و طبق مقررات قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای اعاده دادرسی باید نسبت به دو حکم مغایر صادر از دادگاه استان یک حوزه استینافی به عمل آید و در مورد پرونده مطروح دو حکم مغایر به نظر نمی‌رسد بلکه یک حکم و یک قرار مورد بحث بوده و از دو حوزه استیناف اصفهان و شیراز صادر گردیده است چون مبداء تقاضای اعاده دادرسی از نظر مغایر بودن دو حکم طبق صریح ماده ۵۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم محسوب می‌شود و این دو حکم همان احکام پژوهشی است نه رای صادر از شعب دیوان کشور لذا رای دادگاه استان هفتم که مستدلاً صادر شده صحیح بوده و ابرام می‌شود.

از جهات اعاده دادرسی معرفی شده‌اند که در حقوق فرانسه مورد توجه قرار نگرفته و از جهات اعاده دادرسی شناخته نشده‌اند (حسن زاده، ۱۳۹۰، ۹).

قانونگذار فرانسه در مواد ۴۸۰ قانون قدیم و ۵۹۳ قانون جدید آئین دادرسی مدنی در مقام بیان آراء قابل اعاده دادرسی از واژه (jugement) به معنای رأی (اعم از حکم و قرار) استفاده کرده است. طبیعی است بعضی از قرارها به دلیل این که از اعتبار امر مختوم برخوردار نمی‌شوند قابل اعاده دادرسی نخواهند بود.

در حقوق فرانسه به استناد ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی، آراء دیوان عالی کشور قابلیت اعاده دادرسی را ندارند، زیرا در این ماده هدف از اعاده دادرسی رسیدگی مجدد به دعوا هم در امور موضوعی و هم در امور حکمی تعیین شده است و این در حالی است که رسیدگی در دیوان عالی کشور صرفاً شکلی است و این مرجع در مقام رسیدگی وارد ماهیت دعوا نمی‌شود (Vincent & Guinchard, 1994, 874). در حقوق ایران هم با توجه به این که اصولاً دیوان عالی کشور باید رسیدگی شکلی نماید و با توجه به استدلال حقوقدانان فرانسه از آنجا که هدف از اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد به دعوا هم در امور موضوعی و هم در امور حکمی است، لذا پذیرش اعاده دادرسی نسبت به آراء این مرجع قابل دفاع نیست.

لازم به ذکر است در حقوق فرانسه، قرارداد قضائی را به لحاظ این که «رأی» به مفهوم واقعی آن محسوب نمی‌شود قابل اعاده دادرسی نمی‌دانند. در حقوق ایران هم به همین نحو می‌توان استدلال نمود: اولاً قرارداد قضائی رأی محسوب نمی‌شود و بالطبع از اعتبار امر مختوم برخوردار نمی‌باشد و ثانیاً این قرارداد قابل ابطال در دادگاه تنظیم کننده است.

### ۳- آثار اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه

بر اعاده دادرسی و درخواست آن، آثار متفاوت و مختلفی بار می‌شود که از جمله می‌توان به رفع اثر از شمول اعتبار امر مختوم بر حکم قطعی، بازگشایی دعوا و جواز رسیدگی دوباره به آن در فرآیند رسیدگی به شکایت از احکام، توقف رسیدگی فرجامی به جهت اقامه اعاده دادرسی و تقدم رسیدگی به آن بر رسیدگی فرجامی (تبصره<sup>۴</sup> ماده ۴۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)، جواز رسیدگی

۴- تبصره - چنانچه دعوی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و درخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود، درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌گردد. در صورت قبول درخواست یاد شده از طرف دادگاه، رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد.

دوباره توسط دادگاه صادرکننده حکم به عنوان استثنائی بر قاعده فراغ دادرس (مواد «۸»<sup>۵</sup> و «۴۳۳»<sup>۶</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) و در نهایت توقف اجرای حکم قطعی معترض عنه در نتیجه صدور قرار قبولی اعاده دادرسی (ماده «۴۳۷»<sup>۷</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) اشاره کرد. تمامی آثار یاد شده در صورتی بر دعوا مترتب شده و به جریان می‌افتند که از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، قرار قبولی درخواست اعاده دادرسی صادر شود. (تبصره<sup>۸</sup> ماده ۴۳۵ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) در میان این آثار، اثر توقف اجرای حکم قطعی از اهمیت به سزایی برخوردار است (نهرینی، ۱۳۹۲، ۷).

اعاده دادرسی طریق عدولی و فوق‌العاده شکایت از احکام محسوب می‌گردد. این طریق شکایت که مخصوص احکام قطعی است در موارد استثنائی اجرا و در همه ارکان آن با تفسیر مضیق اعمال می‌گردد. طبق مفاد ماده ۴۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با صدور قرار قبولی دادخواست اعاده دادرسی، اصل بر توقف عملیات اجرائی حکم است، مگر این که محکوم به مالی باشد و محکوم له تأمین مناسب جهت تداوم اجرای حکم سپرده باشد. عملیات اجرائی زمانی متوقف می‌گردد که حکم در حال اجرا باشد و در صورت اجرا شدن عملیات اجرائی، قاضی تا صدور حکم اعاده دادرسی نباید در مورد اعاده وضعیت عملیات اجرائی تصمیم بگیرد. بدیهی است ماده ۴۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مربوط به احکامی است که جنبه اجرائی دارند یعنی با قطعی شدن حکم موضوع آن باید اجرا شود. اما احکامی که صرفاً جنبه اعلامی دارند مصداق ماده مذکور نیستند. در خصوص اثر اعاده دادرسی بر اجرای حکم در محکوم به مالی، نکاتی از جمله، نقش صدور قرار قبولی اعاده دادرسی و

۵- ماده ۸ هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

۶- ماده ۴۳۳: دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می‌شود که صادرکننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می‌گردد که حکم در آن جا به عنوان دلیل ابراز شده است.

۷- ماده ۴۳۷: با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می‌گردد: الف- چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد. ب- چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می‌یابد. ج- در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف) و (ب) اقدام می‌گردد.

۸- تبصره- دادگاه صالح بدواً در مورد قبول یا رد درخواست اعاده دادرسی قرار لازم را صادر می‌نماید و در صورت قبول درخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی خواهد نمود.

توقف اجرای حکم با صدور چنین قراری، ادامه اجرا در صورت امکان اخذ تأمین و جبران خسارت، نوع و میزان تأمین و مقایسه اثر اعاده دادرسی در این خصوص با فرجام خواهی قابل بحث و بررسی هستند (حسن زاده، ۱۳۹۲، ۳۹).

در حقوق فرانسه ماده ۵۷۹ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «شکایاتی که از طریق فوق العاده انجام می‌شوند همچنین مهلت انجام آن‌ها فاقد اثر تعلیقی بر اجرای حکم هستند، مگر این که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد». بر این اساس در حقوق فرانسه اصل بر این است که حکم قطعی باید اجرا گردد و تا حد امکان نباید جلوی آن را گرفت و حتی پذیرفته شدن اعاده دادرسی مانع از اجرای آن نیست. لازم به ذکر است قانون قدیم آئین دادرسی مدنی فرانسه در ماده ۴۹۷ مقرر نموده بود که اعاده دادرسی مانع از اجرای رأی نیست. بنابراین در قانون سابق فرانسه هم اصل بر اجرای حکم قطعی بوده و حتی تقاضای اعاده دادرسی نسبت به آن حکم مانع اجرای آن نمی‌شده است. البته در قانون فعلی فرانسه و در ماده ۵۷۹ یک قاعده عام برای تمامی طرق فوق العاده شکایت از آراء ذکر شده است (حیاتی، ۱۳۸۳، ۲۰۳).

در حقوق ایران، اثر تعلیقی بر دادرسی اصلی زمانی مصداق پیدا می‌کند که از ابتدا درخواست اعاده دادرسی به صورت طاری تقدیم شده باشد. به موجب ماده «۴۳۴»<sup>۹</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می‌دارد، مکلف است آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می‌گردد مؤثر در دعوا می‌باشد رسیدگی به دعوی مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن مؤثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می‌اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می‌دهد. تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «چنانچه دعوائی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و درخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌گردد. در صورت قبول درخواست یاد شده از طرف دادگاه، رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد.» مطابق ماده مذکور چنانچه درخواست اعاده دادرسی

---

۹- ماده ۴۳۴: دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می‌دارد مکلف است آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می‌گردد مؤثر در دعوا می‌باشد، رسیدگی به دعوی مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن مؤثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می‌اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می‌دهد.

طاری از دادگاهی شود که حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی در آن به عنوان دلیل ابراز شده است مرجع تشخیص تعلیق دادرسی همین دادگاه است. اما مطابق تبصره ذیل همین ماده چنانچه درخواست اعاده دادرسی طاری به دیوان عالی کشور تقدیم شده باشد مرجع مذکور پس از این که قرار قبولی اعاده دادرسی نسبت به حکم مذکور توسط دادگاه صادرکننده آن صادر شد مکلف به تعلیق دادرسی است.

مطابق ماده ۱۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، «دادرس همچنین هنگامی که یکی از طرفین به تصمیمی استناد می‌کند که مورد اعتراض شخص ثالث، اعاده دادرسی یا فرجام خواهی است می‌تواند رسیدگی را معلق کند.» علاوه بر این قاعده عام که درخواست اعاده دادرسی یکی از مصادیق آن است، در ماده ۵۹۹ همین قانون مقرر شده: «اگر طرفی که اعاده دادرسی می‌کند یا اعلام می‌نماید که قصد دارد نسبت به رأی که در جریان رسیدگی نزد مرجع قضائی غیر از مرجعی که آن را صادر نموده تقاضای اعاده دادرسی کند، مرجع قضائی مورد مراجعه نسبت به امری که آن رأی در آن مطرح می‌شود می‌تواند حسب مورد به امر دیگری بپردازد یا تا زمانی که در خصوص اعاده دادرسی در مرجع صالح رسیدگی می‌شود رسیدگی خود را معلق کند.» (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۳۸). بنابراین در حقوق فرانسه هم درخواست اعاده دادرسی طاری اثر تعلیقی بر دادرسی اصلی دارد.

لازم به ذکر است اعاده دادرسی در صورتی که مورد قبول واقع شود دارای اثر انتقالی نیز می‌باشد، بدین معنی که دادگاه وقتی حکم مورد اعاده دادرسی را فسخ نمود، باید مجدداً نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. در ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه اثر انتقالی اعاده دادرسی به وضوح بیان شده و مقرر می‌دارد: اعاده دادرسی طریقه‌ای شکایتی است به منظور نقض رأی که از اعتبار امر مختوم برخوردار شده تا این که قاضی مجدداً نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. از آنجا که اعاده دادرسی صرفاً در محدوده جهت ادعا شده دارای اثر انتقالی است، لذا قاضی می‌تواند اقدامات تحقیقی لازم را جهت صدور یک رأی عادلانه به عمل آورد. بنابراین صدور قرار تحقیق و معاینه محل، قرار کارشناسی و... در اعاده دادرسی نیز امکان‌پذیر است. لازمه برخوردارگی اعاده دادرسی از اثر انتقالی آن است که تمامی اصحاب دعوی حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی، دعوت شوند.

ماده ۵۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه تکلیف دعوت همه اصحاب دعوا را بر عهده خواهان اعاده دادرسی نهاده و حتی ضمانت اجرای عدم عمل به آن‌ها را عدم قابلیت استماع تقاضای اعاده دادرسی دانسته است (Couchez, 1998, 567). در حقوق ایران ماده صریحی چنین تکلیفی را برای خواهان اعاده دادرسی تعیین نکرده، اما به نظر می‌رسد که قواعد عمومی هم همین را اقتضاء نماید چون

در واقع اعاده دادرسی ممکن است حقوق اطراف حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را تغییر دهد و چنانچه قاضی، قابلیت اعاده دادرسی تقاضای خواهان را پذیرفت باید در همان رأی نسبت به ماهیت هم اتخاذ تصمیم نماید، مگر این که انجام تحقیقات تکمیلی لازم باشد که در این صورت ابتدا نسبت به پذیرش تقاضای اعاده دادرسی اتخاذ تصمیم می‌نماید، آن گاه پس از انجام تحقیقات لازم، رأی مقتضی در ماهیت را صادر می‌نماید.

مطابق ماده ۶۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه نسبت به رأی که در مورد اعاده دادرسی صادر می‌شود نمی‌توان به موجب همین طریقه شکایت کرد. در حقوق ایران نیز ماده ۴۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر داشته نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد. به طور کلی سیر تحولات قواعد مربوط به اعاده دادرسی در حقوق فرانسه نشان می‌دهد که در این نظام حقوقی ابتدا جهات اعاده دادرسی قریب به بیست مورد بوده است و بعداً به ده مورد کاهش پیدا کرده و نهایتاً در قانون اخیر به چهار مورد محدود شده است. حقوقدانان فرانسه علت اصلی تحول در مقررات راجع به اعاده دادرسی در اصلاحات اخیر را در ایجاد تجانس میان جهات اعاده دادرسی می‌دانند. از میان جهات مذکور در قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه می‌شود این قدر مشترک را یافت که در همه این جهات نوعی سوءنیت از طرف محکوم‌له برای تحصیل رأی ناعادلانه وجود داشته است. به عبارتی می‌توان گفت که در تحصیل رأی ناعادلانه نوعی رفتار خلاف اخلاق از سوی محکوم‌له صورت گرفته که در نتیجه آن رأی ناعادلانه به نفع او و به ضرر محکوم‌علیه صادر شده است (حیاتی، ۱۳۹۷، ۳۰۶).

### نتیجه

اعاده دادرسی، طرق فوق العاده و عدولی شکایت از احکام بوده که از طریق آن محکوم علیه حکمی که از اعتبار امر مختوم برخوردار شده می‌تواند از مرجع صادرکننده، نقض آن را به دلیل این که به اشتباه صادر گردیده، خواه سبب آن اشتباه دادگاه بوده و یا طرف دعوا، تقاضا نماید. در قانون آئین دادرسی مدنی ایران، اعاده دادرسی تعریف نشده در حالی که در ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه به تعریف این شیوه شکایت اختصاص داده شده است. این طریق شکایت برای مواردی است که به دلایلی واقعیت موضوع دعوا بر دادگاه معلوم نشده و دادگاه در درک واقعیت موضوع دعوا دچار

اشتباه شده و بر اساس درک غیرواقعی از دعوا اقدام به صدور حکم کرده و با آشکار شدن واقعیت پس از صدور حکم، غیرواقعی و غیرعادلانه بودن تصمیم دادگاه نمایان شده است.

از آنجا که اعاده دادرسی به استحکام احکام دادگاه‌ها و اعتباری که به لحاظ قطعیت کسب می‌کنند لطمه وارد می‌سازد، لذا محدودیت‌ها و قیودی ایجاد شده تا منحصراً در موارد ضرورت مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، برای پذیرش درخواست اعاده دادرسی علاوه بر تقدیم دادخواست و رعایت شرایط قانونی آن و پرداخت هزینه دادرسی و رعایت مهلت مقرر در مواد «۴۲۷»، «۴۲۸»، «۴۲۹»<sup>۱۲</sup> «۴۳۰»<sup>۱۳</sup> قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، اولاً باید حکم مورد درخواست اعاده دادرسی از جمله احکام مذکور در ماده ۴۲۶ (احکام قطعی) باشد. ثانیاً جهات درخواست منحصراً منطبق با جهاتی که در قانون احصاء شده است باشد.

در حقوق فرانسه اعاده دادرسی در مورد آرائی پذیرفته می‌شود که از اعتبار امر مختوم برخوردار باشند یعنی قابل شکایت به طریقی که اجرای رأی را به تأخیر می‌اندازد نباشند و همچنین طبق ماده ۵۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، اعاده دادرسی اختصاص به احکام ندارد و قرارهای دارای اعتبار امر مختوم را نیز شامل می‌شود، در حالی که در حقوق ایران، اعاده دادرسی مختص به احکام است. در ذیل ماده ۵۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه نیز مقرر شده؛ اعاده دادرسی تنها وقتی قابل پذیرش است که متقاضی بدون این که کوتاهی کرده باشد نتوانسته باشد رسیدگی نسبت به جهت مورد استناد خود را قبل از حصول اعتبار امر قضاوت شده برای آن تصمیم تقاضا نماید.

با مقایسه جهات اعاده دادرسی در ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و جهات اعاده دادرسی در ماده ۵۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه مشخص می‌شود مواردی از قبیل: حيله و تقلب،

۱۰- ماده ۴۲۷. مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه به شرح زیر می‌باشد: نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ. نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدیدنظر.

۱۱- ماده ۴۲۸. چنانچه اعاده دادرسی به جهت مغایر بودن دو حکم باشد ابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است.

۱۲- ماده ۴۲۹. در صورتی که جهت اعاده دادرسی جعلی بودن اسناد یا حيله و تقلب طرف مقابل باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حيله و تقلب می‌باشد.

۱۳- ماده ۴۳۰. هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده، ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن محاسبه می‌شود. تاریخ یاد شده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی می‌کند، اثبات گردد.

جعلی بودن سند مبنای حکم و کشف سند مکتوم هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه از جهات مشترک اعاده دادرسی هستند. در حقوق فرانسه، حتی شهادت و سوگند خلاف واقع هم موجب اعاده دادرسی شناخته شده‌اند، اما در حقوق ایران این موارد به صراحت از جهات اعاده دادرسی اعلام نشده‌اند.

## منابع

### فارسی

- بهرامی، بهرام، ۱۳۹۴، **بایسته‌های اعاده دادرسی: حقوقی، کیفری، دیوان عدالت اداری**، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه.
- پورقربانی، محمدرضا و پوراابراهیم، احمد، ۱۳۹۸، واکاوی اعاده دادرسی و تحلیل ارتباط آن با طرق اعتراض به احکام، **فصلنامه قضاوت**، شماره ۱۰۰.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۸۳، **اعاده دادرسی در آئین دادرسی مدنی ایران و فرانسه**، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۰، **اعاده دادرسی در آئین دادرسی مدنی ایران و فرانسه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۷، تحلیل نقادانه جهات اعاده دادرسی در قانون آئین دادرسی مدنی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، **ماهنامه پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی**، شماره ۵.
- حسن‌زاده، مهدی، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۵، شماره ۴.
- حسن‌زاده، مهدی، ۱۳۹۲، اثر اعاده دادرسی و اعتراض شخص ثالث بر اجرای حکم، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۳، شماره ۱.
- ساکت، محمدحسین، ۱۳۸۲، **دادرسی در حقوق اسلامی: سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان‌های وابسته از آغاز تا سده‌ی سیزدهم هجری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۷، **آئین دادرسی مدنی**، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات دراک.
- متین دفتری، احمد، ۱۳۷۷، **آئین دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- متین دفتری، احمد، ۱۳۹۱، **آئین دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.



- محسنی، حسن، ۱۳۹۵، **آئین دادرسی مدنی فرانسه: دفتر نخست کد آئین دادرسی مدنی فرانسه ۱۹۷۵** پیرامون مقررات مشترک کلیه مراجع قضائی (به روز شده تا سال ۲۰۱۲)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- مسیحی، مهرزاد، ۱۳۹۲، **اعاده دادرسی در امور مدنی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات خرسندی.

- نهرینی، فریدون، ۱۳۹۲، اثر اعاده دادرسی بر اجرای حکم قطعی دادگاه، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۲۳.

- واحدی، جواد، ۱۳۶۹، اعاده دادرسی در امور مدنی، **مجله کانون وکلا**، شماره ۱۵۰ و ۱۵۱.

### لاتین

-Couchez, gerard. Langlade, Pierre et lebeau Daniel, procedure civile Dalloz. Paris, 1998.

-Heron, Jacques, Droit judiciaire prive. Paris, 1991.

-Jean Vincent et Serge Guinchard, procedure civile, Dalloze, paris, 23e, N 1496, 1994.

### قوانین

- قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰

- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸

- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

- رای اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور شماره ۳۸۸۵ مورخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۲

- قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۷۵

# Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841  
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions\*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption \*Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach\*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law\*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention\*Mohammad Mobini Far, Marziyeh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality\*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom \*Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child \*Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law\*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession \*Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code\*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations\*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America\*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)\*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam\*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents\*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law\*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications\*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence\*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand